



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد " M.A "

**گرایش :**

اندیشه‌های سیاسی در اسلام

**عنوان :**

تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی بروجردی با گروه فدائیان اسلام

**استاد راهنما :**

دکتر جهانبخش ایزدی

**استاد مشاور:**

دکتر بابک نادرپور

**پژوهشگر:**

حیدر طالب‌زاده

زمستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد " M.A "

**گرایش :**

اندیشه‌های سیاسی در اسلام

**عنوان :**

تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی بروجردی با گروه فدائیان اسلام

**استاد راهنما :**

دکتر جهانبخش ایزدی

**استاد مشاور:**

دکتر بابک نادرپور

**پژوهشگر:**

حیدر طالب‌زاده

زمستان ۱۳۹۱

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب حیدر طالب زاده دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد نام پیوسته به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۶۳۲۱۳۰۰ در رشته اندیشه سیاسی در اسلام که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/ از پایان نامه خود تحت عنوان: تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت الله العظمی بروجردی با گروه فدائیان اسلام، با کسب نمره ..... و درجه ..... دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

حیدر طالب زاده

تاریخ و امضاء:

۹۱/۱۱/



بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای حیدر طالبزاده از پایان نامه خود دفاع نموده و

با نمره ..... بحروف ..... و با درجه ..... مورد تصویب

قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دکتر جهانبخش ایزدی

بسمه تعالی دانشکده علوم سیاسی این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشکده تهیه شده است	
کد واحد دانشگاهی : تهران مرکزی	کد واحد : ۱۰۱
عنوان پایان نامه : تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت الله العظمی بروجردی با گروه فدائیان اسلام	
نام و نام خانوادگی دانشجو : حیدر طالب زاده شماره دانشجویی : ۸۹۰۶۶۳۲۱۳۰۰ رشته تحصیلی : اندیشه سیاسی در اسلام	تاریخ شروع پایان نامه : نیمسال دوم ۹۰ - ۹۱ تاریخ اتمام پایان نامه : ۱۳۹۱/۱۱/۱
استاد راهنما : جناب آقای دکتر جهانبخش ایزدی استاد مشاور : جناب آقای دکتر بابک نادرپور	
آدرس و شماره تلفن :	
<p style="text-align: right;">چکیده پایان نامه :</p> <p>با آغاز نهضت مشروطه، میان دو جناح دینی مناظره‌ای اصولی - فقهی در باب برخی از مفاهیم مدرن سیاسی همچون قانون اساسی ، وکالت و مساوات در می‌گیرد. اما با کودتا و آغاز دیکتاتوری رضاخان، آن تحول درون زایی که در علوم روش مند قدیمه شروع شده بود با مانع مواجه می‌شود و نحوی از تفکر غیر روشمند و شبه ایدئولوژیک در فضای اندیشه سیاسی رواج می‌یابد . در چنین بستری است که آیت الله بروجردی و جمعیت فدائیان اسلام به قرائت و ادراک امر دینی - سیاسی می‌پردازند.</p> <p>در این پایان نامه با به کار گیری روش پدیدارشناسی از رهگذر تحلیل حالت آگاهی و تصاویر ذهنی آیت الله بروجردی و آقای نواب صفوی - بنیانگذار جمعیت فدائیان اسلام - نشان داده می‌شود که آنها امر دینی - سیاسی را به چه نحو ادراک کرده و تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آنها چگونه بوده است.</p> <p>در واقع زمینه و زمانه‌ای که آیت الله بروجردی و جمعیت فدائیان اسلام در آن به تفکر، ادراک و عمل پرداختند، به خصوص بر ساخته‌ی نهضت مشروطه و نیز کودتا و قدرت‌گیری رضاخان بود. همچنین عامل اصلی اختلاف اندیشه و عملکرد سیاسی آیت الله فقیه و فدائیان نهایتاً به علوم روشمند حوزوی و نحوی ادراک امور دینی - سیاسی در چهارچوب یا خارج از چهارچوب این علوم مربوط می‌شد .</p>	
تاریخ و امضاء	نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهشنامه دانشکده مناسب است _ مناسب نیست

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### بخش اول: کلیات طرح تحقیق

۱-۱ بیان مسئله : ..... ۴

۲-۱ هدف تحقیق: ..... ۶

۳-۱ پیشینه موضوع : ..... ۶

۱-۴-۱ تقابل و تعامل : ..... ۸

۱-۴-۲ اندیشه سیاسی : ..... ۸

۱-۴-۳ جمعیت فدائیان اسلام : ..... ۸

۵-۱ سؤال تحقیق: ..... ۹

۶-۱ فرضیه تحقیق : ..... ۹

۷-۱ متغیرهای تحقیق : ..... ۱۰

۸-۱ روش تحقیق : ..... ۱۰

۹-۱ ابزار گردآوری : ..... ۱۲

۱۰-۱ مشکلات و موانع تحقیق : ..... ۱۲

۱۱-۱ سازماندهی تحقیق : ..... ۱۳

### فصل دوم: انقلاب مشروطه و ورود مفاهیم نوآئین به دانش بومی

۱-۲ بستر تاریخی تقابل و تعامل علما در عصر جدید ..... ۱۶

۲-۲ شیخ فضل الله نوری و نقد مشروطه خواهی ..... ۲۰

۳-۲ آخوند خراسانی و علامه نائینی در مقام دفاع از مشروطه ..... ۲۴

۴-۲ محورهاى اشتراك و اختلاف دو نظریه سلطنت مشروعه و حکومت مشروطه با اذن عام فقیهان ..... ۳۴

### فصل سوم: اندیشه سیاسی آیت الله بروجردی

۱-۳ آیت الله بروجردی تداوم بخش خط آخوند خراسانی ..... ۴۱

۲-۳ کتب آیت الله بروجردی ..... ۴۷

۳-۳ مکتب فقهی آیت الله بروجردی ..... ۵۱

۳-۴ اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی ..... ۵۹

### **بخش چهارم: جمعیت فدائیان اسلام**

۴-۱ شکل‌گیری جمعیت فدائیان اسلام و عملکرد آنها ..... ۶۷

۴-۲ اندیشه سیاسی جمعیت فدائیان اسلام ..... ۷۰

۴-۳ قانون اساسی مشروطیت از دیدگاه نواب صفوی ..... ۱۰۵

### **بخش پنجم: تقابل و تعامل آیت‌الله بروجردی با جمعیت فدائیان اسلام**

۵-۱ سیره عملی آیت‌الله بروجردی در ساحت سیاست ..... ۱۱۱

۵-۱-۱ حمایت آیت‌الله بروجردی از خواسته‌های آیت‌الله قمی: ..... ۱۱۲

۵-۱-۲ آیت‌الله بروجردی و صدور اعلامیه برای مسلمین غیر ایرانی: ..... ۱۱۳

۵-۱-۳ ارتباط آیت‌الله بروجردی با نهاد قضایی: ..... ۱۱۳

۵-۱-۴ قضیه مجلس مؤسسان: ..... ۱۱۴

۵-۱-۵ مجلس هفدهم: ..... ۱۱۵

۵-۱-۶ اصلاحات ارضی: ..... ۱۱۵

۵-۲ رفتار فدائیان اسلام و درگیری آنها با آیت‌الله بروجردی ..... ۱۱۶

**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ..... ۱۲۰**

**منابع و مأخذ ..... ۱۲۸**

چکیده انگلیسی ..... ۱۳۱



## مقدمه

تفکر در باب سیاست و ادراک مسائل و امور سیاسی، همانند سایر موضوعات و متعلقات فکر بشری بر مبنای وضعیت‌ها، چهارچوب‌ها و قواعدی صورت می‌گیرد؛ به عبارتی این شرایط حاکم بر تفکر هستند که امکان نحوی از تفکر را تعیین کرده، و ظرفیت‌های اندیشگی را در هر مورد رقم می‌زنند.

نگاه بنیادین به اندیشه سیاسی یعنی التفات به ماهیت اندیشه سیاسی و بررسی شرایط امکان‌پذیر آن، منجر به متفاوت اندیشه سیاسی، از جمله رویکردهایی است که از سوی متحققین حوزه سیاست در ایران تا حد زیادی مغفول مانده است؛ پایان‌نامه فعلی بر آن است که ضمن بررسی تقابل و تعامل اندیشه سیاسی دو چهره اسلام‌گرا در تاریخ معاصر ایران یعنی آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی بنیانگذار، اصلی جمعیت فدائیان اسلام، التفاتی هم به همین وجه مغفول مانده تحقیقات در حوزه اندیشه سیاسی یعنی تحلیل ماهیت، ساختار و شرایط معرفتی حاکم بر اندیشه‌ها داشته باشد.

در همین راستا پایان‌نامه با تمهیداتی همچون اشاره‌ای مختصر به پیدایش نظام دانش و تقسیم‌بندی علوم در ایران دوره اسلامی، و تداوم این نظام دانش تا زمان انقلاب مشروطه و نقش آن در ادراک امور دینی-سیاسی آغاز می‌شود؛ تا نمایان‌گر آنجا که در نظام دانش بومی ما منطق و قواعدی برای فهم پدیده‌های سیاسی اجتماعی در استقلال ناسوتی خودشان به وجود نیامده بود، لذا در روند انقلاب مشروطه نیز علمای تأثیرگذار بر جامعه، سیاست را لاجرم در ذیل دین و بر مبنای علوم حوزوی مورد تفسیر و ادراک قرار می‌دادند.

دیگر اینکه اشاره‌هایی که به افرادی همچون شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی و علامه نائینی - از نظریه پردازان دو جناح دینی مخالف و موافق انقلاب مشروطه - می‌شود، برای پایان‌نامه فعلی از این حیث اهمیت دارد که علاوه بر نمایان کردن نمونه‌هایی از ادراک روشمند امور سیاسی - اجتماعی (حال صرف نظر از اینکه روش و قاعده این ادراک، بر ساخته علوم دینی همچون فقه و اصول بود)، پرتویی نیز بر بستر معرفتی‌ای می‌افکند که بعدها تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام در آن صورت می‌گیرد.

در واقع آیت‌الله بروجردی به نوعی تداوم بخش خط آخوند خراسانی و علامه نائینی بودند و نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان که در حوزه سیاست ارائه دادند در ادامه آراء اصولی - فقهی آخوند خراسانی و علامه نائینی بود. درمقابل، نواب صفوی هرچند که به علت عدم تسلط به علوم حوزوی نمی‌توانست درکی از آن مناظره اصولی - که میان خبرگان دینی در روند انقلاب مشروطه درگرفت - داشته باشد، ولی به هر حال با حمایت قاطع از فضل‌الله نوری مخالف مشروطه، ظاهراً در پی آن بود که خود را در ادامه راه ایشان نشان داده و موضعی پیدا کند.

خلاصه اشاره‌هایی که در ابتدای پایان‌نامه به پیدایش نظام دانش بومی در ایران شده است، نقش این نظام دانش در قوام بخشی به ادراک علمای دینی از امور سیاسی - اجتماعی در روند مشروطیت، و نگاهی به اندیشه‌های سیاسی شیخ فضل‌الله، آخوند خراسانی و علامه نائینی - یعنی افرادی که مستقیماً بر اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی تأثیر گذاشته اند - همه در حکم تمهیداتی می‌باشند که زمینه را برای پرداختن به موضوع اصلی پایان‌نامه یعنی بررسی تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام، مهیا می‌سازند.

لذا بعد از این تمهیدات مقدماتی، تمرکز پایان‌نامه بر موضوع اصلی می‌باشد و تا انتهای کار و ارائه دستیافت‌ها و نتایج تحقیق - که در آنجا ارتباط، نقش و اهمیت این تمهیدات مقدماتی هویداتر خواهند شد - به شیوه‌ای منظم و روش‌مند به تحلیل و توصیف ماهیت اندیشه سیاسی آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی و تقابل و تعامل میان آنها خواهیم پرداخت.

# **بخش اول:**

## **کلیات طرح تحقیق**

## ۱-۱ بیان مسئله :

با پیروزی انقلاب مشروطه به سال ۱۲۸۵ ه.ش. دوران تازه ای در تاریخ تفکر سیاسی ایران اسلامی آغاز گشت. نظریه سلطنت مشروطه که از قرن دهم تا سیزدهم هجری یعنی از زمان بر تخت نشستن صفویان تا انقلاب مشروطه، در فضای اندیشه سیاسی از وجه غالب برخوردار بود، با جهد فکری متفکرینی همچون آخوند خراسانی و علامه نائینی به حاشیه رفت و نظریه سلطنت مشروطه جایگزین آن شد.

لازم به ذکر است که در باب انقلاب مشروطه هرچند مفاهیم نو آیینی همچون قانون اساسی، نمایندگی، انتخابات، پارلمان و قانون موضوعه ابتدا از طریق روشنفکران وارد فضای فکری ایرانیان شده بود اما از آن خود کردن آنها و هضم شان در درون نظام دانش بومی به خصوص مرهون جهد اصولی آخوند خراسانی و علامه نائینی بود؛ در واقع آنها با استفاده از ظرفیت های موجود علوم سنتی حوزوی - به ویژه علم اصول فقه - به مفاهیم نو آیین فوق الذکر اعتبار و مقبولیت شرعی و عقلی بخشیدند.

قانون اساسی نظام مشروطه سلطنتی و متمم آن، اصل قانونگذاری توسط وکلای منتخب مردم، و نیز نظارت تنی چند از علمای دینی بر روند تصویب قوانین جهت لحاظ مسائل شرعی را به رسمیت شناخته بود. اما مجموعه ای از پیشامدها و بن بست های معرفتی و عملی سبب شد زمینه برای سلطنت رضا خان به سال ۱۳۰۴ ش. مهیا شود؛ و آن تحول و حرکت درون زای فکری و سیاسی که در چهارچوب نظام دانش بومی آغازیدن گرفته بود به محاق رود. مدرنیزه کردن جامعه از بالا به شیوه دیکتاتور مآبانه که در حکومت شانزده ساله رضا خان در پیش گرفته

شد ، توجیه خود را نه از نظریات منسجم ، علوم و دانش های اندیشیده شده بومی بلکه از ضرورت نیاز به «عمل» کسب می کرد . در واقع دیکتاتوری رضا خان را می توان نماد آغاز دوره ای در تاریخ معاصر ایران دانست که عمل زدگی سکه رایج زمان می شود ؛ و اکثریت روشنفکران و فعالان سیاسی - اجتماعی اقدامات عملی را مقدم بر پرداختن به علوم روشمند و نظورری های منسجم استدلالی قلمداد می کنند .

در واقع بعد از انقطاعی که با دیکتاتوری رضا خان در ساحت تفکر بومی رخ داد، دیگر حالت آگاهی اکثر فعالان حوزه سیاست نه بر ساخته شاخه ای از علوم روشمند بلکه حاصل تخیلاتی بود که اجزاء سازنده آن بی هیچ مبنا و روش منسجمی از منابع متفاوت و بعضاً متعارض اخذ شده بودند ؛ و عامل قوام بخش این حالت تخیلی آگاهی ، دیگر نه نظم و منطق درونی اندیشه بلکه اساساً هدفی بیرونی بود که در حیطه مبارزه سیاسی ، و از سر مشارکت و مداخله در معادلات قدرت تعریف و تعیین شده بود . فی المثل از باستان گرایی رضا خان گرفته تا عقاید حزب توده که یکی از اصلی ترین اجزاء بر سازنده آن ایدئولوژی کمونیسم بود ، از سنخ همان تخیلاتی بودند که بر هیچ یک از علوم روشمند بومی ابتناء نداشتند و توجیه و مقبولیت خود را نه از نظم ، منطق و انسجام اجزاء فکری بلکه با تعیین هدف هایی همچون غربی شدن و توسعه ، یا مقابله با امپریالیسم و امثالهم کسب می کردند، و ورودشان به حوزه سیاست و معادلات قدرت بدین نحو و از همین راه بود .

با کناره گیری رضا خان از قدرت به سال ۱۳۲۰ ش. و پیدایی آزادی های نسبی برای مدتی ، شاهد بروز و نشر انواع ایدئولوژی ها و ایماژهای ذهنی ای هستیم که علیرغم تفاوت های ظاهری ، به لحاظ ماهیت متعلق به همان دوره ای هستند که خصیصه های آن یکی تقدم عمل بر نظر ، و دیگری فاصله گیری از علوم روشمند است .

در این بین التفات به آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰) و جمعیت فدائیان اسلام ، به خصوص آقای سید مجتبی نواب صفوی (۱۳۰۳-۱۳۳۴) بنیانگذار اصلی جمعیت فدائیان اسلام ، حائز اهمیت فوق العاده است .

آیت‌الله بروجردی به سال ۱۳۳۲ ش. به مقام مرجعیت عام شیعیان نائل می‌شوند، ایشان که یکی از اجازات اجتهاد خود را از آخوند خراسانی دریافت کرده بودند میان فعالان حوزه سیاست جزو نوادری بودند که همچنان به علوم حوزوی کاملاً پایبندی داشتند، و امر سیاسی را بعضاً در چهارچوب همان علوم ادراک می‌نمودند. اما فدائیان اسلام و افکار نواب صفوی که به خصوص در رهنمای حقایق متبلور شده، گواه حالتی از آگاهی است که بر هیچ یک از شاخه های علوم حوزوی بومی ابتناء ندارد.

اینک به جاست پرسش نمود آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی امر سیاسی را به چه نحو ادراک می‌کردند، و تقابل و تعامل اندیشه سیاسی آنها به راستی چگونه بود؟

## ۲-۱ هدف تحقیق:

این پژوهش هدفی علمی - کاربردی را دنبال می‌کند. در واقع می‌توان گفت که نسبت میان دین و سیاست و نحوه حضور دین در عرصه حکومت و اجتماع به خصوص از نهضت مشروطه به این سو، مهمترین مسئله مطروحه مابین صاحب نظران سیاسی و دینی ماست. بر این اساس تحلیل و بررسی آراء آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی یعنی دو شخصیت اسلام گرای حائز اهمیت در تاریخ معاصر ایران، می‌تواند پرتویی بر نقاط افتراق و اشتراک این دو الگوی اسلام گرایی و تبعات سیاسی و اجتماعی هر یک از آنها بیفکند؛ و بدین طریق برای ما که هنوز در دامنه اثرات آراء آنها به سر می‌بریم افق های نوینی در حوزه تفکر و عمل سیاسی بگشاید.

## ۳-۱ پیشینه موضوع:

در طی کار پژوهش و رجوع به منابع، فقر و کمبود پژوهش های روشمند پیرامون این موضوع هویداتر شد. به بیان دقیق تر هیچ تحقیقی که بطور همزمان به سنجش روشمند آراء سیاسی آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام مبادرت کرده باشد، و نیز تقابل و تعامل این آراء را مورد التفات قرار داده باشد موجود نبود. غالب آثاری هم که پیرامون آیت‌الله بروجردی و یا جمعیت

فدائیان اسلام به رشته تحریر درآمده ، از صرف خاطره نویسی و بیان احساسات شخصی فراتر نمی رود .

تنها اثر قابل توجه در این باب ، رساله دکترای ابراهیم عباسی است که در آن اندیشه سیاسی فدائیان اسلام مورد بررسی قرار گرفته است . اشاره ای به این رساله در اینجا خالی از فایده نیست.

عنوان رساله عبارت است از : *رادیکالیسم اسلامی در ایران : ظهور ، تحولات و پیامدها (بررسی موردی جمعیت فدائیان اسلام)* که تیر ماه ۱۳۸۸ ش. برای دریافت درجه دکتری در رشته علوم سیاسی ، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از آن دفاع شده است ؛ دکتر داوود فیروزی به عنوان استاد راهنما و دکتر حمید احمدی و دکتر صادق زیباکلام به عنوان اساتید مشاور در این پایان نامه مشارکت داشته اند .

این رساله که از روش «اجتماع گرایی» پیروی می کند، در باب بیان مسئله چنین آمده است که «در دهه ۱۳۲۰ ش. اسلام گرایی با رویکردی جدید و با تقویت نقش دین ، دوباره به صحنه سیاست ایران بازگشته بود . این بار نه علمای درجه اول ، بلکه جوانان مذهبی حوزوی و غیر حوزوی در صدد اجرای آن برآمدند . آنها سعی در سیاسی کردن دین به منظور پیشبرد خیر اساسی خود داشتند ... آنها در سنت فکری خود ، اسلام را به عنوان یک آلترناتیو ایدئولوژیک نیرومند تفسیر نمودند که برای همه ابعاد زندگی برنامه داشت . تفسیر آنها در رابطه دین و سیاست ، عبور از مرجعیت ، پیوند رهبری مذهبی و سیاسی ، ترور در اسلام و وحدت اسلامی ، بدعتی نو بود . به نحوی که نه از نظارت دین بر سیاست بلکه از حضور دین در حکومت سخن راندند ... ظهور این سنت فکری ، مکانیزم تفسیری و عقلانیت آن ، ارتباطش با دیگر سنت ها ، بحران در این سنت فکری و احیای مجدد آن در دو اجتماع مهم دهه چهل در میان نیروهای مذهبی (هیأت های مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی) محور اصلی این پژوهش است» (عباسی، ۱۳۸۸، ۱).

البته روش اجتماع گرایی که در پایان نامه آقای عباسی به کار رفته ، ظرفیت لازم برای ورود به تحلیل های بنیادین افکار و حالت های آگاهی را ندارد . فی المثل در فصل هفتم پایان نامه ابراهیم

عباسی برخی از برخوردهایی که میان فدائیان اسلام و آیت‌الله بروجردی رخ داده بود به‌طور بسیار مختصر ذکر می‌شود و از آن، تقابل و ضدیت آنها نتیجه گرفته می‌شود؛ لذا این چند صفحه نمی‌تواند از صرف روایتی از حوادث تاریخی و عملکردها فراتر رود و تقابل و تعامل فدائیان اسلام و آیت‌الله بروجردی را در سطح ماهیت تفکر آنها مورد تحلیل قرار دهد.

## ۱-۴ تعریف اصطلاحی مفاهیم:

### ۱-۴-۱ تقابل و تعامل:

آنچه در این تحقیق از مفاهیم تقابل و تعامل مراد می‌شود منحصر به بررسی رویارویی و یا داد و ستد و همکاری آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام در حوزه عملکرد سیاسی نیست؛ بلکه تمرکز اصلی بر روی تحلیل افتراق و اشتراک ماهیت اندیشه سیاسی آنهاست.

### ۱-۴-۲ اندیشه سیاسی:

صاحب نظران در مورد مفهوم اندیشه سیاسی، تعاریف متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ ولی آنچه که در این تحقیق از اندیشه سیاسی مراد می‌شود عبارت است از کوششی نظری در جهت ارائه راهکارهایی برای بالا بردن کارآمدی حکومت و اداره بهتر جامعه، و نیز تنظیم رابطه حکومت و مردم برای احیای هر چه بهتر حقوق مردم و تعیین وظایف آنها در قبال حکومت. که البته این کوشش نظری از سوی متفکران مسلمان می‌تواند از منظری دینی صورت بگیرد، چنانکه در تحقیق فعلی آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی لااقل چنین قصدی دارند.

### ۱-۴-۳ جمعیت فدائیان اسلام:

این گروه در سال ۱۳۲۴ ش. با صدور اعلامیه دین و انتقام اعلام موجودیت کرد. سید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی، رهبری فکری این جریان را بر عهده داشت. او رهنمای حقایق را که در واقع اصلی‌ترین کتاب برای شناخت افکار آنهاست به سال ۱۳۲۹ منتشر نمود. فدائیان اسلام برای برپایی "بهشتی زمینی" از طریق اجرای احکام و ظواهر شرعی در سطح



حکومت و جامعه تلاش می‌نمودند و در این راه از ابزار ترور نیز سود می‌جستند. سرانجام با اعدام سران این جریان در سال ۱۳۳۴ ش. بعد عملیاتی این جریان متوقف شد.

## ۱-۵ سؤال تحقیق:

سؤال اصلی تحقیق این است که به لحاظ ساختار و ماهیت اندیشه سیاسی، چه تقابل و تعاملی میان آیت‌الله بروجردی و جمعیت فدائیان اسلام وجود دارد؟  
سؤالات فرعی تحقیق نیز عبارتند از:

- به لحاظ اندیشه سیاسی، پیشینه و بستر معرفتی‌ای که آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام مستقیماً از آن تأثیر پذیرفته بودند چه بود؟
- آن دسته از عملکردهای آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام که می‌توان از طریق بررسی آنها به نوعی اندیشه سیاسی شان را استنباط کرد و بهتر فهم نمود چه هستند؟
- چرا آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام علیرغم خاستگاه اسلامی مشترک شان، در حوزه ادراک و عمل سیاسی دو طریق متفاوت را در پیش گرفتند؟

## ۱-۶ فرضیه تحقیق:

فدائیان اسلام که به نوعی، از علوم قدیمه‌ی حوزوی عبور کرده بودند، به ادراکی از امر دینی - سیاسی نائل شدند که حالتی شبه ایدئولوژیک داشت؛ در مقابل آیت‌الله بروجردی که به علوم روشمند حوزوی پایبند بود، امر دینی - سیاسی را به گونه‌ای دیگر قرائت می‌کرد. بروز این نحو تفاوت در ماهیت اندیشه‌ی دینی - سیاسی فدائیان اسلام و آیت‌الله بروجردی سبب شد که آنها در عرصه‌ی عمل سیاسی نیز مقابل هم قرار بگیرند. در واقع درست است که آیت‌الله بروجردی و نواب صفوی هر دو خاستگاهی روحانی داشتند، و در مسائلی همچون مخالفت با رواج کمونیسم در ایران از اشتراک نظر برخوردار بودند، ولی به هر حال در باب نحوه‌ی تلقی از سیاست دینی و چگونگی دفاع از دین در عرصه‌ی اجتماع و سیاست اختلافات عمده‌ای با یکدیگر داشتند. همدلی آیت‌الله بروجردی با قانون اساسی مشروطیت و نظام پادشاهی مشروطه، و غیر مشروع

دانستن مجلس شورای ملی و دولت وقت از سوی نواب صفوی، نمایانگر اختلاف رویکرد بروجردی و نواب در حوزه اندیشه سیاسی می باشد .

## ۷-۱ متغیرهای تحقیق :

متغیر مستقل: اندیشه سیاسی آیت الله بروجردی و نواب صفوی

متغیر وابسته: تقابل و تعامل میان اندیشه سیاسی آنها

## ۸-۱ روش تحقیق :

در این رساله از روشی توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

نکته: لازم به ذکر است از آنجا که وجه تحلیلی این تحقیق از نوع تحلیل پدیدار شناختی است، و این شیوهی تحلیل و خاستگاه آن برای بسیاری از دانشجویان علوم سیاسی و خوانندگان آتی این رساله نا آشنا می نماید، لذا توضیحی - صرفاً جهت علاقه مندان - در باب این روش و چرایی به کارگیری آن در اینجا خالی از فایده نخواهد بود:

همانطور که پیش تر اشاره شد، اغلب آثاری که در مورد آیت الله بروجردی و فدائیان اسلام وجود دارد از صرف خاطره نویسی و بیان احساسات شخصی فراتر نمی رود. اندک آثاری هم که خواسته اند به حوزه تحلیل وارد شوند به علت عدم برخورداری از چهارچوب نظری منسجم و روشی که متناسب با موضوع پژوهش باشد، عملاً به بیراهه رفته اند.

فی المثل نویسنده نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، آنجا که می خواهد چرایی رویکردهای متفاوت آیت الله بروجردی و آقای نواب صفوی به امر سیاست را تحلیل کند، عامل تفکر و اندیشه را نمی تواند مورد بررسی قرار دهد؛ لذا علت این تفاوت رویکردها را به حالات شخصی و روحی این افراد برمی گرداند: «بروجردی با احتراز از دخالت در سیاست نشان داد که دولتمردان می آیند و می روند، حکومت ها غلتان می گذرند و اگر قرار باشد باورهای ابدی چون دین جاودانه بماند، باید فراتر از ایدئولوژی ها، سلیقه ها و سیاست بازی های روزمره باشد . بروجردی نه فقط مجتهدی دورانیش بود، بلکه شخصیتی داشت که شاید در اثر تزکیه نفس

واقعی، شهوت قدرت و جاه طلبی سیاسی نداشت» (رهنما، ۱۳۸۴، ۱۹). و در مقابل، نواب صفوی دلباخته قدرت بود (همان، ۲۶۴).

در واقع عصاره مطلبی که نویسنده کتاب مذکور در پی اثبات آن برای آقای نواب صفوی می‌باشد از این قرار است که آنچه موجب شد تا او پای در میدان سیاست گذارد و همکاری‌هایی نیز با آیت‌الله کاشانی داشته باشد، عدم تزکیه نفس واقعی آنها و نیز اسارتشان در قید و بندهای شهوت قدرت و جاه طلبی سیاسی بوده است. و در مقابل آیت‌الله بروجردی به دلیل تزکیه نفس واقعی و دوری از شهوت قدرت و جاه طلبی سیاسی، هیچ‌گونه دخالتی در امور سیاسی نمی‌کرده و مسئولیت مهم خود را پرداختن به تربیت طلاب و امور حوزوی می‌دانسته است. بدیهی است که این‌گونه تحلیل‌ها، و تقلیل مباحث معرفتی و اندیشه‌ای به امور روحی و اخلاقی همچون تزکیه نفس و جاه طلبی، ره به جایی نخواهند داشت و گره‌ای از مسائل معرفتی نخواهد گشود. لذا در تحقیق فعلی از آنجا که خواست ما بررسی تقابل و تعامل آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام از رهگذر تحلیل ماهیت اندیشه سیاسی آنها بود، می‌بایست متناسب با موضوع پژوهش، طریقی اتخاذ می‌شد که از ظرفیت لازم برخوردار باشد. از این رو طریقی که برای پژوهش مناسب یافتیم، روش تحلیل پدیدار شناختی است.

روش پدیدار شناسی در پژوهش‌های حوزه اندیشه سیاسی آنچنان شناخته شده نیست. این روش «نزد اندیشمندان سیاسی داخلی و حتی خارجی تا حدودی مهجور مانده است. به جرأت می‌توان گفت که بحث در باب پدیدار شناسی به مثابه روش علمی برای تحلیل پدیده‌ها و یا ارتباط آن با دانش سیاسی اساساً در ایران صورت نگرفته است» (نقیب زاده و فاضلی، ۱۳۸۵، ۴۷).

بحث پدیدار شناسی در دوره مدرن به خصوص با *پدیدار شناسی روح* هگل (۱۸۷۰م.) رواج یافت، و او نقش اصلی را در متداول ساختن این اصطلاح داشته است. از دید هگل، جهان بدان‌گونه نیست که بر ما ظاهر می‌شود؛ بلکه جهان واقعی جهانی است که از طریق اندیشه فلسفی درک و فهمیده شده باشد. هگل در معرفت شناسی خود در پی آن بود تا دریابد انسان در هر مرحله‌ای از تاریخ در چه سطح یا درجه‌ای از شناخت بوده است (همان، ۳۲-۳۰).

بعد از هگل مباحث پدیدار شناسی توسط ادموند هوسرل تداوم یافت؛ اما او هیچ گاه در صدد آن بر نیامد تا این روش را در زمینه های مختلف همانند اجتماع، فرهنگ یا سیاست به کار گیرد. اما بعدها شاگردان او روش پدیدار شناسی را به حوزه های دیگر بسط دادند. نوشته های پدیدار شناسانی همچون آلفرد شویتس و مرلوپونتی به سیاست نیز مربوط می شود. «ورود روش پدیدار شناسی به مطالعات سیاسی نتایج در خور توجهی را در بر داشته است... و منجر به تاریخی دیدن و فهم تاریخی از پدیده های سیاسی گردیده است. به علاوه اینکه به یمن ورود این مبحث به دانش سیاسی، تصویر، خیال و ایماژهای ذهنی اهمیتی مضاعف یافته اند و دریافت شهودی و ادراکی بر دریافت تجربی غلبه یافته است؛ به گونه ای که ذهن به نیرویی برای حکم راندن تبدیل شده است» (همان، ۴۸)

لذا با استفاده از روش پدیدار شناسی این امکان را می یابیم که در مورد شخصیت های مورد پژوهش در این رساله، اولاً با التفات به دوران های تاریخی اندیشه به درکی عمیق از بستر معرفتی پیدایش تصاویر و ایماژهای ذهنی شان برسیم؛ ثانیاً نقش ذهن و ماهیت اندیشه آنها در شکل گیری عملکرد سیاسی شان را نیز هویدا کنیم.

به بیان روشن تر با کاربرد این روش، تقابل و تعامل اندیشه و عملکرد سیاسی آیت الله بروجردی با آقای نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام، از رهگذر تحلیل ماهیت و طبیعت ایماژهای ذهنی مربوطه و شرایط پیدایی آنها مورد بررسی واقع می شود.

## ۹-۱ ابزار گردآوری:

در این تحقیق از منابع و مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است.

## ۱۰-۱ مشکلات و موانع تحقیق:

اولاً مکتوبات آیت الله بروجردی و آقای نواب صفوی در حوزه سیاست، به لحاظ حجمی فوق العاده ناچیز است. در واقع در این پژوهش، ما با اندیشمندان سیاسی به معنای خاص کلمه مواجه نیستیم؛ یعنی افرادی که آثاری مبسوط و مستقل در باب اموری چون منشاء قدرت سیاسی،